

سریال تلویزیونی «الکس رایدِر» را امروز با کیفیت 4K-HDR از شبکه فراتر دنبال کنید. این سریال که در سال ۲۰۲۰ تولید شده، براساس داستانی از گای برت و به کارگردانی مشترک آندریاس پروچاسکا ساخته شده است.

در این سریال، بازیگران مطرحی از جمله اتو فارتن، استفان دیلان و ویکی مک کلور به ایفای نقش

«الکس رایدِر» در شبکه فراتر

پرداخته‌اند. داستان الکس رایدِر یک ماجرای مهیج و جاسوسی است که هر هفته روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ساعت ۲۰ از شبکه فراتر به نمایش درمی‌آید. علاقه‌مندان می‌توانند تکرار این سریال را روز بعد از هر پخش ساعت ۴ صبح و ۱۲:۳۰ ظهر مشاهده کنند. همچنین، بازپخش این سریال روزهای شنبه و یکشنبه ساعت ۹:۳۰ و ۲۳:۳۰ و دوشنبه و سه‌شنبه ساعت ۱۴

متفاوت مثل چرخ گردون

بازیگران مجموعه این شب‌های شبکه دو، از نقش‌های خود و چالش‌های ضبط در یک پارک عمومی می‌گویند



کلمه همیشه ماندگار است. چه وقتی که هستیم و چه زمانی که رخت از این جهان برمی‌بندیم و تنها همین کلمات است که از ما می‌ماند. مطلب پیش‌رو جزو آخرین کلماتی است که از نویسنده این گزارش یعنی زنده‌یاد زینب علیپور طهرانی‌مانده است. در ساعاتی که به شب یلدا باقی مانده، خاطره‌های‌مان از زینب را بالا و پایین می‌کنیم تا در میان شوق و ذوق همیشگی‌اش برای یلدا، چیزی دست‌مان را بگیرد تا یاد از خنده‌های همیشگی‌اش کنیم. برای ما که همیشه عادت داشتیم با هدایا و ذوق زینب در یلدا، تحریریه را ببینیم، امسال عجیب می‌گذرد و تلخ. شاید برای همین هم روال همیشگی خبر را کنار گذاشتیم تا در ورودی مطلب، به‌جای صحبت از کلیات گزارش، از نویسنده‌ای بگوییم که با وجود ساعت‌ها دیالیز و تلخی بیماری کلیوی، تابستان همین سال را می‌پارک‌لاله شد تا از پشت صحنه سریال «چرخ‌گردون» گزارش بگیرد. زینب، عاشق طبیعت و حیوانات بود و برای همین، مشتاق بود به پشت صحنه این برنامه برود. کلماتش مانده. تقدیم نگاه مخاطبان می‌کنیم.

خواهد بود. شایان ذکر است که تلویزیون تاکنون مجموعه‌های بسیاری را با رویکرد ترجمه و دوبله آثار به‌روز جهانی روی آنتن برده است.

در این میان توجه به کیفیت پخش آثار نیز برای رسانه ملی اهمیت بسیاری دارد. کما این‌که کیفیت برخی از آثار دوبله‌شده شبیه به اثر فوق، به شکل 4K پخش می‌شود.

فصل دوم، جذاب‌تر است

کمند امیرسلیمانی، بازیگر مجموعه‌هایی چون بی‌همگان، ستایش، گاندو و ایران‌دخت که در فصل اول چرخ‌گردون هم حضور داشت، در گفت‌وگو با جام‌جم درباره حضورش و تغییراتی که در شخصیت داشته، توضیح می‌دهد: می‌توانم بگویم کاراکتری که بازی می‌کنم، به لحاظ شخصیتی تغییر خاصی نداشته اما رفتارش کمی نرم‌تر شده است. یعنی زمانی‌که این شخصیت را برای خودم تحلیل می‌کردم، از آنجا که دیالوگ‌ها کمی نرم‌تر شده بود، فرض را بر این گذاشتم چون اردلان برگشته و خانواده حفظ شده، از خشم و عصبانیت این کاراکتر کاسته شده است. به‌رحال نویسنده در فصل دوم تغییر کرد و آقای حسن نیا با شیوه و مدل خودشان متن را نوشته و شخصیت‌پردازی کرده‌اند. بنابراین به‌خاطر نوع دیالوگ‌هایی که این نویسنده برای کاراکتر من در نظر گرفته بود، من هم سعی کردم آن را ملایم‌تر بازی کنم. انگار با خودش فکر کرده لژومی ندارد این قدر خشن باشد. از آنجا که سابقه‌اش در پارک بیشتر شده، با همه دوست است و کمتر عصبانی می‌شود. البته حضور این شخصیت در داستان پررنگ‌تر و بیشتر شده و مثل قبل جلوی برخی اتفاقات را می‌گیرد. امیرسلیمانی درباره همکاری با دو نویسنده در یک سریال هم می‌گوید: لحن دو نویسنده با هم متفاوت است. اما شخصیت‌پردازی‌ها تغییری نکرده و آقای حسن نیا در راستای همان فصل، متن‌ها را نوشته است. فقط این شخصیت کمی با اهالی پارک همراه‌تر شده است. پارک، لوکیشن اصلی این سریال است. این بازیگر درباره تجربه کار در چنین فضایی بیان می‌کند: من طبیعت را خیلی دوست دارم. البته امسال در اوج گرمای تیر و مرداد، در پارک کار می‌کردیم و من خیلی اذیت شدم. بااین حال در کل، کار در چنین فضایی سخت نیست. نکته دیگر این‌که وقتی شما در بیمارستان کار می‌کنی، با بیماران سروکار داری یا وقتی در دادسرا کار می‌کنی با آدم‌های ناراحت، پریشان و عصبانی مواجه می‌شوی اما در پارک همه برای تفریح یا ورزش آمده‌اند. در نتیجه با افرادی در ارتباط هستیم که حال خوبی دارند. به همین دلیل من این لوکیشن را دوست دارم. امیرسلیمانی درباره تعاملی که با کارگردان و ایده‌پردازی‌هایی که برای نقش دارد هم می‌گوید: خیلی همکاری و تعامل خوبی داریم. ایشان دست ما را برای خلاقیت و ایده‌پردازی با می‌گذارد. به نظر من یکی از نقاط قوت‌شان این است که تسلط زیادی بر کار دارد. دقیقاً در ذهن‌شان کار را مونتاژ می‌کنند. همین باعث می‌شود که بازیگر اذیت و خسته نشود. بسیار کارگردان

خوش اخلاقی هم هست. در کل گروه خوبی داریم و من از این بابت خوشحالم. وی درباره سایر فعالیت‌هایش هم عنوان می‌کند: امیدوارم مردم فصل دوم این مجموعه را هم دوست داشته باشند. گرچه معتقدم فصل دوم به‌خاطر اتفاقاتی که رخ می‌دهد و ماجراهایی که روایت می‌کند، جذاب‌تر از فصل قبل است.

مخاطب می‌خواهد

دغدغه‌هایش بیان شود

علیرضا خمسه، بازیگر مجموعه‌هایی چون پایتخت، میکائیل،

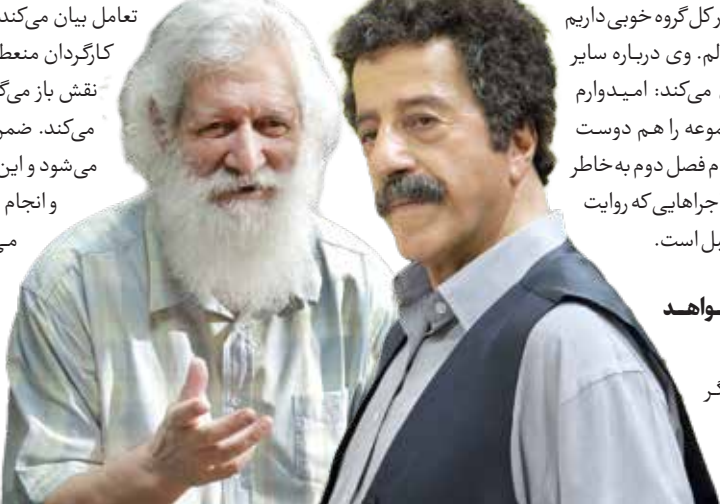


زمین گرم و مهمانان ویژه در فصل یک این مجموعه هم حضور داشت و نقش غلام‌عدسی را بازی کرد. وی درباره حضورش در فصل دوم سریال به جام‌جم می‌گوید: می‌توانم بگویم نسبت به فصل اول، ما خیلی شیرین‌تر کار کرده‌ایم. قصه‌های جذاب‌تری هم داریم. در نهایت این‌که می‌توان گفت از نقاط ضعف فصل یک‌کاهش یافته و به نقاط قوت کار افزوده شده است. وی در ادامه می‌افزاید: به نظر من نباید در کارهای طنز دایره انتقادپذیری خانواده را محدود کرد. چون اگر بتوان درباره مسائل و دغدغه‌های مردم در یک مجموعه بیشتر حرف زد، مخاطب بیشتری هم پای تلویزیون می‌نشیند و با سریال و شخصیت‌هایش همراه می‌شود. ضمن این‌که مردم انتظار زیادی از ما و سریال‌هایمان دارند و می‌خواهند دغدغه‌ها و مسائل‌شان در آثار نمایشی مطرح شود. از آنجا که اغلب مردم ما بازیگرها را می‌شناسند و با ما احساس نزدیکی می‌کنند، تصویرشان این است که کاری از دست ما برمی‌آید. حتی گاهی از ما برای مشکلات مالی‌شان کمک می‌خواهند. خمسه درباره حضور در پارک و کار در چنین فضایی که ممکن است مسائل و مشکلاتی داشته باشد هم بیان می‌کند: برای من کار سختی است. به دلیل این‌که تابستان گرمی‌را پشت سر گذاشتیم و من باید با گرمی‌که کلاه‌گیس و سیل داشتم بازی می‌کردم و این گرم کار را برای من سخت می‌کرد. اما در کنار سختی‌ها، چنین لوکیشن‌هایی جذابیت‌های خاص خودش را هم دارد. مثلاً برخوردایی که با مردم در پارک داریم و با ما درباره سریال هاگپ می‌زنند و اظهار نظر می‌کنند.

نقش پیمانکار شهرداری را بازی می‌کنم

مهرداد ضیایی، بازیگر مجموعه‌هایی چون خوشنام، محکومین، هفت سر اژدها و سرزمین مادری در فصل اول این مجموعه حضور داشت. اما در فصل جدید، نقش دیگری ایفا می‌کند که دراین‌باره به جام‌جم می‌گوید: جمشید شکارچی شخصیتی بود که من در فصل یک این سریال بازی می‌کردم اما در فصل دوم بازیگر شخصیت دیگری به نام سهرابی باگرمید دیگری هستم که پیمانکار شهرداری است. بعد از مدت‌ها باگوشش اصفهانی به ایفای نقش این شخصیت می‌پردازم. وی ادامه می‌دهد: به نظرم اتفاق خوبی افتاده و این کاراکتر هم شیرینی و نمک خودش را دارد در فکر می‌کنم مردم هم دوست داشته باشند. چون به‌خاطر کاری با دستیارش به این پارک می‌آید و درگیر اتفاقات دیگری می‌شود. ضیایی که در فصل یک هم با این کارگردان همکاری داشته، در رابطه با این

تعامل بیان می‌کند: به‌شدت همکاری خوبی داریم؛ چون کارگردان معطلنی است و دست بازیگر را برای بهبود نقش باز می‌گذارد و می‌توانم بگویم به بازیگر اعتماد می‌کند. ضمن این‌که با تفکر و ایده وارد لوکیشن می‌شود و این‌گونه نیست که در لحظه تصمیم بگیرد و انجام بدهد. من که از همکاری با ایشان لذت می‌برم. می‌توانم با قاطعیت بگویم که فصل دوم خیلی بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت. چون در این فصل یک قصه خطی مشخص داریم و کاراکترها هم برای مخاطب جا افتاده است، بنابراین فکر می‌کنم مخاطب برای دیدن ترغیب می‌شود.



نگاه

عباس قنبری عدیوی | مدرس دانشگاه و رئیس بنیاد ایران‌شناسی چهارمحال و بختیاری

شب چله و افسانه ننه سرما

و به ننه سرما و پیروزن افسانه‌ای کهن ایرانیان ارتباط دارد.

در فرهنگ عوام و فولکلور اقوام ایرانی، در این باور زنی در آسمان‌هاست که دو پسر دارد به نام‌های احمدیل و مَهمدیل یا اَهمن و بهمن یا نام‌های دیگر. ننه‌سرما، صاحب‌شترهایی است و از خدا درخواست می‌کند که شترانش جفت‌گیری کنند و آبستن شوند تا خرج زندگی‌اش را دربیاورد. این شش روز متعلق به پیروزن افسانه عامیانه در فرهنگ اسطوره‌ای و افسانه‌ای است. ننه‌سرما در آسمان‌هاست و می‌خواهد با زمین بجنگد؛ چون اگر آرزوی او برای زاد و ولد کله شترش برآورده نشود؛ کارش زار می‌شود. او از سر ناامیدی قهر می‌کند و می‌خواهد زمین را به آتش بکشد.

اگر شتران زن افسانه‌ای زمستان، با گیسوان سفید و چهره خشمگینش، آبستن شوند، او هیزم آتشین را به دریاها می‌اندازد و اگر ناراضی و عصبانی باشد به خشکی یا کوه‌ها، در این باور، افکندن هیزم در خشکی، یعنی سال بعد سال کم‌آبی و کاهش کشت و کار است و اگر هیزم آتشین پیروزن به دریاها بیفتد، سالی پر از باران، نعمت، ترسالی و برکت نصیب کشاورزان و دامداران خواهد شد.

شب چله، مهر و دوستی است. دور کرسی محبت و لبخند، آجیل و شیرینی،

در گاهشماری عامه ایرانیان، زمستان با شب چله (یلدا) آغاز می‌شود. عدد ۴۰ و جایگاه آن در گاهشماری به عنوان برشی زمانی، مهم است. واژه «سرد» یعنی سال. این باور با آغاز سال در گذشته از اول زمستان، پیوند دارد. از این رو، فصل سرد سال با همان «زم» + «ستان» (زمستان) به دو چله بزرگ و کوچک تقسیم می‌شود.

چله بزرگ از اول دی آغاز می‌شود و ۴۰ روز واقعی یعنی تادهم بهمن ادامه می‌یابد. ولی چله کوچک در اصل ۴۰ روز است و از دهم تا پایان بهمن ادامه دارد. مجموع روزهای این دو چله ۶۰ روز است نه ۸۰ روز. چله کوچک سرمای بیشتری دارد و از این پس هوای سرد کم‌کم جای خود را به هوای معتدل می‌دهد که در اصطلاح عامیانه می‌گویند: سرما شکست. در گاهشماری کشاورزی و دامداری عشایر و روستاهای ایران، ۱۰ روز اول بهمن را به دو تا چهار روز دوروز جداگانه تقسیم می‌کنند که «چارچار» نام دارد. این دوروز اوج سرمای زمستانی است. البته در باورهای کهن ما، زمستان به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ از آغاز اسفند تا ششم آن نیز یک برش خاصی دارد که در فرهنگ عامه بسیار معروف‌تر است



یادداشت

علی‌انی‌زاده | پژوهشگر و مدیر فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما

شب چله؛ شاخ نبات و فال حافظ



بازی، شال‌اندازی و خوراکی‌های آیینی این شب.

برخی آیین‌های یادشده به دلیل از دست دادن کارکرد، جلوه‌گری رخت برپسته، همچون شال‌اندازی اما در عوض، جلوه‌های آیینی دیگری در فرهنگ مردم ایران رخ نموده و با زندگی نوین هماهنگ شده است؛ یک‌دست و هم‌رنگ‌کردن لباس‌ها، همخوان ساختن آرایه‌ها، پیرایش، زیورآلات (بویژه با طرح انار و هندوانه)، سفره‌آرایی و میوه‌آرایی شب چله ... در این میان اما برخی سنت‌های شب چله به دلیل ریشه‌داری و پیوند عمیق فرهنگی با مردم، همچنان جایگاه بلند خود را حفظ کرده و از انحطاط و انحراف دور مانده است.

تقال یکی از مهم‌ترین آیین‌ها است که گونه‌های مردمی گوناگونی دارد؛ ولی شهره‌ترین و متداول‌ترین آن در گستره ایران، فال به دیوان خواجه‌حافظ شیرازی است.

تقال به‌گونه‌ای امیدوارانه، پیشگویی و پیش‌بینی آینده است، برای صلاح‌اندیشی و برون‌آمدن از دودلی یا اطلاع‌یافتن از وضعیتی نامعلوم از آینده. به فال در گذشته با باوری عمیق می‌پرداختند [که نمونه‌های تاریخی مشهور و شگفتی هم دارد] و امروزه گاه به‌جد و گاه به‌تفنن، بدان پرداخته می‌شود.

در گذشته فال فرقی نمی‌کرد توسط یک فرد عامی، برای مسأله شخصی و کوچک گرفته شود یا توسط امیر، شاه و شخصیتی بزرگ، برای تصمیمی بزرگ در حد ملک و مملکت.